



بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقین

پدیدآورده (ها) : عبدالحمیدی، حسین
علوم قرآن و حدیث :: پژوهش‌های تفسیر تطبیقی :: بهار و تابستان 1394 -
شماره 1 (علمی-پژوهشی)
از 39 تا 56
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1092940>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 06/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب بیکرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

بررسی تطبیقی دلایل آیه فاسلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقین

*حسین عبدالمحمدی

چکیده

آیات متعددی از قرآن کریم، بر مرجعیت علمی اهل بیت (ع)، دلالت می‌کند. برخی از آیات، به طور روشن و با دلالت مطابقی و برخی دیگر، با دلالت التزامی، بیان شده است. از جمله آیاتی که به صراحت، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده، آیات ۴۳ سوره نحل است که، در سوره انبیا آیه ۷ با تفاوت اندکی تکرار شده است. خداوند متعال می‌فرماید: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ در این مقاله پس از بررسی مفاهیم کلیدی، دیدگاه‌های مختلف در باره مصدق اهل ذکر مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا دیدگاهی که بر اساس سیاق آیات، اهل ذکر را اهل کتاب می‌داند، مطرح شده و اشکالات آن بیان گردیده و سپس محدود دیدگاهی که آیه را از جهت سائل، مسئول و مسئول عنہ عام می‌داند، روشن شده است. و در پایان دیدگاه کسانی که از فرقین با تکیه بر روایات، مصدق اهل ذکر را اهل بیت علیهم السلام می‌دانند تبیین و روایاتی که در منابع فرقین در این باره آمده مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: اهل بیت؛ مرجعیت علمی؛ اهل ذکر؛ قرآن؛ پیامبر

* استادیار علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

مرجعیت علمی و دینی بعد از پیامبر اکرم (ص)، از مسائلی است که در بین فرق اسلامی همواره مورد اختلاف بوده است. پیروان مكتب اهل بیت معتقدند آنمه علیهم السلام با توجه به دارا بودن مقام عصمت و علم لدنی (که در جای خود با براهین عقلی و نقلی اثبات شده است)، تنها مرجع علمی بعد از پیامبر اعظم (ص) هستند که، برای فهم درست کتاب و سنت، باید به ایشان مراجعه کرد. و برای این ادعا، علاوه بر ادله عقلی به آیات و روایاتی استدلال می کنند. از جمله آیاتی که به آن استدلال کردن، آیات ۴۳ سوره نحل است که در سوره انبیا آیه ۷، با تفاوت اندکی تکرار شده است. خداوند متعال می فرماید: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ وَبِيَشَازْتُو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم! اگرنمی دانید، از آگاهان بپرسید.

در این مجال، دلالت این آیه را از منظر فریقین، مورد بررسی قرار می دهیم. قبل از هر چیز واژه های کلیدی را مفهوم شناسی می کنیم:

مفهوم شناسی واژه های کلیدی

۱. واژه "اهل"

اهل به معنای خانواده، خاندان. اهل الرجل در اصل کسانی‌اند که با او در یک خانه زندگی می‌کنند، بعد بطور مجاز به کسانی که آنها را یک نسب جمع می‌کنند اهل بیت آن مرد گفته‌اند. اهل مرد، عشیره و اقربای اوست و اهل الامر والیان امرنده، اهل خانه، ساکنان آن سرت و اهل مذهب، عقیده‌مندان آن می باشد و اهل در صورتی استعمال می‌شود که میان افراد، پیوند جامعی بوده باشد به همین جهت، در قرآن مجید آمده: أَهْلُ الْكِتَابِ... أَهْلُ الْإِنْجِيلِ... أَهْلُ الْقُرْآنِ... أَهْلُ الْمَدِينَةِ... أَهْلُ الْبَيْتِ... أَهْلُ الدِّكْرِ... أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ... أَهْلُ النَّارِ... أَهْلُ التَّنَوُّى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. (مفردات راغب، ج ۱، ص ۹۹؛ قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۳۵)

قرآن کریم، آنان را که با پیغمبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند اهل او و ذریه او میداند و کسانی را که فرزند نسبی وی باشند در صورت ایمان نیاوردن از اهل او، بیرون میدانند؛ در باره حضرت نوح آمده که: نوح بعد از طوفان و غرق شدن پرسش گفت: «رَبِّ إِنَّ ابْنَيِ مِنْ

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقین اَهْلِي وَ إِنَّ وَغَدَكُ الْحَقُّ هود: ۴۵ یعنی خدا یا پسرم از اهل من است و وعده تو حق است و عده داده بودی که اهل مرا از غرق نجات دهی پس چرا پسرم غرق شد؟ خدا در جواب فرمود «إِنَّ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» هود: ۴۶ یعنی او حتما از اهل تو نیست او عمل غیر صالح است. بنابر این اهل ذکر، به کسانی که در مساله ذکر با یکدیگر اشتراک دارند اطلاق می شود.

۲. واژه "ذکر"

معنای ذکر در لغت عبارت است از حفظ و یاد آوری چیزی.

ragab asfahani mi goyid:

گاهی مراد از ذکر، هیئت نفسانی است که شخص، به واسطه آن میتواند آنچه از دانائی به دست آورده، حفظ کند و آن مانند حفظ است، الا آنکه حفظ باعتبار نگهداشتن و ذکر باعتبار حاضر کردن آن در ذهن است. و گاهی به حضور شیء در قلب و هکذا به قول اطلاق میشود. تذکره به معنای پند دادن و چیزی را به یاد کسی آوردن است. تذکر از باب ت فعل به معنی یاد آوری است. و یاد کردن، خواه با زبان باشد یا با قلب و هر دو خواه بعد از نسیان باشد یا ادامه حفظ.

(مفردات الفاظ القرآن لکریم، راغب اصفهانی ص ۳۲۸)

مؤلفان کتاب العین (ج: ۵ ص ۳۴۱) و لسان العرب (ج: ۴ ص ۳۰۸) نیز، همانند مفردات تعریف کردند اما تعریف راغب اصفهانی جامع تر است.

ذکر در اصطلاح قرآن

واژه ذکر در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است:

۱. یادکردن و یادآوری: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا. (احزان ۴۱) ای کسانی که ایمان آوردهاید! خدا را یاد کنید؛ یادی بسیار، و صبح و شام او را به پاکی بستایید.

در این آیه، بحث از کفرت و کمیت ذکر است؛ چنان که باز می خوانیم:

دو فصلنامه علمی- تخصصی دانشگاه قم: سال یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱

فَإِذَا قَضَيْتُم مَنَاسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ أَبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا (بقره ۲۰۰) و چون
اعمال حج خود را به جا آوردید، خدا را یاد آورید؛ همان گونه که پدران خود را به
یاد می آورید، یا با یادکردنی شدیدتر.

این آیه کیفیت ذکر را یادآوری می کند:

وَذَكْرُ فِإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (ذاریات: ۵۵). تذکر در این آیات و نظایر آنها،
به معنی یاد آوری و پند دادن است.

۲. معارف الهی: او عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مَّنْكُمْ لِيَنْذِرَكُمْ وَلِتَنْتَهُوا وَلَعَلَّكُمْ
ثُرْحَمُون (۶۴ سوره اعراف) آیاتعجب کردید که برمردمی از خودتان، پندی از جانب پروردگار تان
برای شما آمده تاشمار ایم دهد و شما پرهیز گاری کنید و باشد که مور در حمت قرار گیرید؟!

۳. قرآن: إِنَّا تَخْنُنَ زَلَّةً الدَّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹ سوره حجر) ما قرآن را کردیم و ما قطعا
نگهداریم.

۴. وحی: أَلْقَى اللَّذِكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشَرَ (۲۵ سوره قمر) آیا زمیان مانهاب را وحی
نازل شده؟! نه، او آدم سپیار دروغگوی هوسبازی است!

۵. رسول خدا ص:...قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا سُوَا يَثْلُوْ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الظَّمَنَ
ءَامِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ. (سوره طلاق آیه ۱۰) خداوند چیزی که مایه
تذکر شماماست بر شمام انازل کرده. رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن الهی
را بر شمام اتلاف می کند، تا آن هارا که ایمان آورده، و عمل صالح انجام داده اند از تاریکی هابه
نور هدایت کند.

واژه "اهل ذکر"

ترکیب "اهل ذکر" جز در آیات مذکور (سوره های نحل و انبیا) در قرآن کریم یا اصطلاح اهل لغت
نیامده است. از این رو، مصدق اهل ذکر چه کسانی هستند، مورد اختلاف قرار گرفته است. در این
جا، اقوال مفسران را مورد بررسی قرار می دهیم.

مصدق اهل ذکر از منظر مفسران

عده ای از مفسران بر اساس سیاق آیات، مصدق اهل ذکر را اهل کتاب می دانند، اما در مقابل،
برخی از مفسران، بر اساس تجزیه و تحلیل آیات مذکور و روایات، مصدق آن را اهل بیت پیامبر

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقین (ص) می دانند و عده ای، مطلق اهل علم را، مصدق اهل ذکر می دانند در اینجا، اقوال سه گانه فوق را با مستندات آنها بررسی می کنیم.

۱. اهل کتاب مصدق اهل ذکرند

عده ای از مفسران برآورده که مقصود از اهل ذکر، اهل کتاب و بالاخص یهودی ها می باشند، زیرا آیه ۴۳ سوره نحل، بیانگر کیفیت ارسال رُسُل و انتزال کتب آسمانی است؛ چون مشرکان معتقد بودند که بشر نمی تواند پیامبر باشد **فَقَالُوا إِبْشِرْ يَهُدُونَا فَكَفَرُوا وَ تَوَلُّوا** (سوره تغابن آیه ۶)؛ می گفتند: پیامبر یا باید خودش فرشته باشد یا فرشته او همراهی کند و **قَالُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلْكٌ** (سوره انعام آیه ۸)

یا اینکه می گفتند: **وَ قَالُوا مَا لِهُذَا الرَّسُولِ يُأْكِلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَشْوَاقِ لَوْ لَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلْكٌ فَيَكُونَ مَعْهُ نَذِيرًا**؛ (سوره فرقان آیه ۷) و گفتند: این چه پیغمبری است که طعام می خورد، و در بازارها راه می رود، چرا فرشته ای بر او نازل نشده که او را در آمر اندار مدد کار باشد. خلاصه، سخن مشرکان این است که، بشر نمی تواند پیامبر باشد.

این گروه از مفسران می گویند: با دقت در سخنان مشرکان و سیاق آیات سوره نحل، نشان می دهد که آیه ۴۳ سوره نحل می فرماید: رسالت در بشر عادی محقق می شود، جز اینکه آن بشر مورد وحی الهی قرار می گیرد، و رسالت آنان همراه معجزات و بیان معارف الهی است.

اگر قبول ندارید فاسلوا اهل الذکر از اهل کتاب پرسید چرا؟

چون مشرکان با علمای اهل کتاب، رابطه صمیمی داشتند و مورد احترام آنان بودند و به برتری آنان ایمان داشتند، مخصوصاً با در نظر داشتن اینکه یهودی ها، دشمن رسول خدا بودند و نبوت ش را رد می کردند.

از طرف دیگر، یهودی ها از مشرکان حمایت می کردند و می گفتند: **وَ يُقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَوُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ أَمْتُوا سَبِيلًا** (نساء آیه ۵۱)

هم اینان [مشرکان]، راهشان از راه مؤمنین صحیح تر است. (علماء اهل سنت کسانی که می گویند اهل ذکر یهود و نصاری هستند بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، ص ۲۲۷؛ ناشر دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۱۸ق؛ سمرقدی، نصرین محمد بن احمد، ج ۲، ص ۲۷۵، بحرالعلوم، جلال الدین سیوطی – تفسیر جلالین، ج ۱، ص ۲۷۵؛ ابن کثیر دمشقی – تفسیر القرآن العظیم [ابن کثیر] ج ۴، ص ۴۲۹، التفسیر الوسيط للقرآن

دو فصلنامه علمی- تخصصی دانشگاه قم: سال یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱

الکریم، ج ۸، ص ۱۵۷؛ سید محمد طنطاوی، حقی برسوی اسماعیل - تفسیر روح البیان، ج ۵^۵ ص ۳۸؛ نیشابوری نظام الدین حسن بن محمد - تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۴، ص ۲۶۴ سیوطی جلال الدین - الدر المنشور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ابن خبری غناطی، محمد بن احمد - کتاب التسهیل لعلوم التنزیل؛ زمخشری محمود - الکشاف عن حقایق عوامض التنزیل؛ علمای شیعه: طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۲۸ - ج ۱۲، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۴۴، مکارم شیرازی ناصر؛ کاشانی، ملافتح الله - زبدة التفاسیر - کافشی سبزواری، حسین بن علی - ج ۵۸۳^۶

تفسران شیعه که نامشان برده شد، اضافه می کنند: اگر فاسئلوا اهل الذکر را به تنها یابی در نظر بگیریم و با توجه به این که مورد مختص نیست، آیه شریفه قاعده کلی بیان می کند که، هم سائل و هم مسئول و هم مسئول عنده، عام است، یعنی هر جا هلی هرچه را نمی داند، باید از عالم به آن چیز بپرسد، این طایفه، از مفسران روایاتی که رسول گرامی اسلام را ذکر و اهل بیت (ع) را اهل ذکر می داند، یکی از مصادیق آیه به شمار می آورند و می گویند: آیه، بیانگر قاعده عمومی رجوع جا هلی به عالم است.

اشکالات تفسیر اهل ذکر به اهل کتاب

اولاً اینکه از سیاق آیات کمک گرفته شده که مخاطب در فاسئلوا الذکر مشرکان و منظور از اهل ذکر اهل کتاب هستند، با توجه به محدودراتی که دارد نمی تواند حجت باشد. علاوه بر اینکه مواردی در قرآن وجود دارد که آیه در شأن اهل بیت است، اما از سیاق آیه استفاده نمی شود، مانند: آیه تطهیر ۳۳ احزاب (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ يَظْهَرَ كُمْ تَطْهِيرًا) و مانند آیه بлаг - ۶۷ مائدہ

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلْغُ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يُعِصِّمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)

و مانند آیه إكمال: مائدہ آیه ۳

(الْيَوْمَ يَئْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْسُوْهُمْ وَ اخْشُوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَثْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيَنًا)

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقین با بررسی و دقیقت در صدر و ذیل آیات شریفه معلوم می‌گردد که اینگونه آیات، جدای از قبل از خود و بعد از خود هستند.

و خدای متعال به خاطر اهمیت جایگاه اهل بیت (ع) آیات مربوط به آن ذوات مقدسه را، به صورت جمله‌ای معتبرضه، در جای جای قرآن قرار داده است.

بنابر این، با استناد به سیاق، نمی‌توان روایات را کنار گذاشت. چنانکه امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: إنَّ الْآيَةَ أُولُهَا فِي شَيْءٍ وَآخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَهُوَ كَلَامٌ مُتَصَلٌ يَتَصَرَّفُ عَلَىٰ وِجْهَهُ (بحار، ج ۸۹، ص ۹۵)؛ همانا اول آیه در مورد چیزی است و پایان آیه چیز دیگر و آن کلام، متصلی است که بر وجوه مختلف حمل می‌شود.

ثانیاً خداوند تبارک و تعالی، در هیچ آیه ای از اهل کتاب، به اهل ذکر تعییر نفرموده است، بلکه در ۲۴ مورد از یهود و نصاری ب اهل الكتاب و در یک مورد به اهل الانجیل (مائده، ۴۷) دریک مورد به (یاَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا) (جمعه آیه ۶) یاد کرده است و در یک مورد فرموده است:

(وَ لَقَدْ ءاتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُؤُقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذَكْرًا لِلْمُتَّقِينَ) (نبیاء آیه ۴۸)

ممکن است گفته شود چون در این آیه شریفه، عنوان ذکر بر تورات صادق است، پس یهودی‌ها اهل ذکر هستند. در پاسخ می‌گوییم ذکر، وصفی است که قابلیت دارد همه کتب آسمانی را به آن، توصیف کرد. منحصر به تورات نیست مانند آیه (إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ فُرْئَانٌ مُّبِينٌ) (بس، ۶۹) چنانکه بر رسول گرامی اسلام هم اطلاق می‌شود. (قُدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰) رَّسُولًا يَتَلَوْا...) (طلاق آیه ۱۱ و ۱۰) بنابراین از مطالعه آیات قرآن به دست می‌آید که خداوند متعال، از یهود و نصاری، با عنوان یا اهل الكتاب و یا اهل الانجیل و یا ایها الذين هادوا یاد می‌کند و هرگز از واژگانی چون اهل ذکر، که بار ارزشی فراوانی دارند، یاد نمی‌کند. ائمه (ع) که عدل قرآن هستند، با کسانی که اهل ذکر را به اهل کتاب تفسیر می‌نمودند، به شدت مخالفت می‌کردند. نمونه‌هایی از روایات در بخش پایانی مقاله ارائه گردیده است.

نکته سوم در این باره، این است که خداوند متعال، اهل ذکر را به طور مطلق [بدون هیچ قید و شرطی]، مرجع علمی قرار داده است، یعنی هرچه اهل ذکر بیان کردن شما آن را پذیرید و این پذیرش، نسبت به اهل کتاب صحیح نیست، زیرا مرجع علمی باید دارای دو شاخصه‌ی صدق خبری و صدق مخبری باشد؛

و به شهادت آیات متعدد در قرآن، اهل کتاب فاقد هر دو ویژگی بودند مانند:

دو فصلنامه علمی- تخصصی دانشگاه قم: سال یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱

يَأْهُلُ الْكِتَابِ لِمَا تَلَيْسُونَ الْحَقًّا بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقًّا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران ۷۱)

وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِيمَنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ إِيمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَ اكْتُرُوا عَلَىٰ جَرَةٍ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (آل عمران ۷۲)

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضْلِلُونَكُمْ وَ مَا يُضْلِلُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (آل عمران ۶۹)

آیا صحیح است که خدای سبحان، مشرکان را به کسانی ارجاع دهد که، سیره مستمره آنها، مشوه جلوه دادن حق و کتمان حق باشد؟!

آیا درست است که خدای متعال، مشرکان را به کسانی ارجاع دهد که هم ضال و هم مضل

بودند؟!

فراوان در قرآن کریم از اهل کتاب نکوهش شده است، مانند آیات ۸۹ سوره بقره: وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلٍ يَسْتَقْتَلُونَ عَلَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنِ الْكُفَّارِ (بقره ۸۹)
الَّذِينَ ءَابَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَ أَبْيَاهُمْ وَ إِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (بقره ۱۴۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا يَبَيِّنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يُلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يُلْعَنُهُمُ الْعَيْنُونَ (بقره ۱۵۹)

کسانی که پیامبر گرامی اسلام را، مانند فرزندان خود می‌شناختند و می‌دانستند که فرستاده خداست، باز کتمان حق می‌کردند، آیا می‌توانستند مرجع علمی برای مشرکان مکه باشند؟ هرگز نمی‌توانستند گزارشگر صادق باشند، اساساً اهل کتاب، متظر بعثت آخرین فرستاده خداوند بودند، اما با بعثت رسول گرامی اسلام به ایشان ایمان نیاورند؛ تنها عاملی که باعث می‌شد مشرکان با اهل کتاب متحد باشند، دشمنی با رسول گرامی اسلام بود، نه داوری در بشری بودن انبیاء.

اگر کسی بگوید در بعضی از آیات قرآن کریم، از اهل کتاب به عظمت یاد شده است، مانند:
لَيُسُوْا سَوَاءٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُوْنَ ءَايَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ الْيَلِٰ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ. (آل عمران ۱۱۳)

(يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكِرِ وَ يَسْأَلُونَ فِي الْحَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ. (آل عمران ۱۱۴)

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاستلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقیین

و إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ حَاسِبِينَ لِلَّهِ لَا يُشَرِّفُونَ
بِإِيمَاتِ اللَّهِ ثَمَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ (آل عمران ۱۹۹)
وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْأَنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ
أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (مائده ۶۶)

در جواب گفته می شود، آیات فوق الذکر، در مقام تعریف اهل کتاب در حالی که یهودی یا مسیحی بودند نمی باشد. مراد از من اهل الكتاب امة قائمه، کسانی هستند که، پیشتر یهودی یا مسیحی بوده و اکنون اسلام آورده‌اند؛ یعنی تعبیر [أهل الكتاب]، مانند مشتقی است که، «انقضی عنہ المبدأ» نظیر «وَ آتُوا اليتامى اموالهِم...» که اطلاع یتیم بر بالغ کنونی به لحاظ گذشته است؛ یعنی اینان که دارای اوصاف هشتگانه و از صالحانند، بیشتر اهل کتاب بوده و اکنون اسلام آورده‌اند. (عبدالله جوادی آملی، تنسیم، ج ۱۵، ص ۳۸۹)

«اهل کتاب با وصف اهل کتاب نمی توانند در زمان بعثت رسول گرامی اسلام صالح باشند، چون در هر عصر و زمانی، عمل همان معصوم معيار است.» (عبدالله جوادی آملی، تنسیم، ج ۱۴، ص ۷۳۹)

پس از بعثت رسول گرامی اسلام، اهل کتاب، انسان‌های صالح نبودند، چون طبق شریعت حضرت رسول الله (ص) عمل نمی کردند.

اما آیه ۶۶ سوره مائدہ، که برکات آسمانی را منوط به اقامه تورات و انجلیل کرده، نمی تواند بیانگر عظمت اهل کتاب در زمان بعثت رسول گرامی اسلام باشد زیرا اقامه تورات و انجلیل وقتی صحیح است که، نسخ نشده باشند و با بعثت رسول گرامی اسلام، تورات و انجلیل نسخ شده است، پس اقامه آن صحیح نیست.

آیه ۶۶ سوره مائدہ بیانگر اوصاف اهل کتاب قبل از بعثت رسول گرامی اسلام است، یعنی اگر در آن زمان اقامه تورات و انجلیل می کردند خداوند برکات را بر آنها نازل می کرد.

کما اینکه قرآن کریم می فرماید: (وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَى أَمْنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكُنْ كَذَّبُوا فَأَكَذَّبْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)

اینگونه آیات می فرماید: ایمان و اعمال انسانها در عنایات و الطاف الهی تأثیر دارد، هر قدر ایمان و عمل خالص تر بود، عنایات و توجهات ذات اقدس الله بیشتر می شود. بنابر این مقصود از اهل ذکر نمی تواند اهل کتاب باشد.

۲. مطلق اهل علم اهل ذکرند

اگر آیه فاسئلو اهل الذکر را، جدای از آیات قبل و بعد در نظر بگیریم و بگوئیم: آیه از سه حیث سائل و مسئول و مسئول عنہ عام است، محنوری که دارد این است که، اگر پرسش از اهل ذکر واجب است، اعتماد به جواب نیز باید واجب باشد. و قبول این مسأله مشکل است. تنها در صورتی می‌توان آیه را بطور مطلق پذیرفت که، مسئول معصوم و دارای علم لدنی باشد. و برای این امر، مصدقی غیر از اهل بیت وجود ندارد، با توجه به روایاتی که در باره جایگاه علمی و دینی اهل بیت داریم مرجعیت علمی اهل بیت برای پاسخگویی به پرسش های دینی قطعی خواهد بود.

۳. اهل ذکر اهل بیت علیهم السلام هستند

عده ای از مفسران بر اساس روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و ائمه ع مصدق اهل ذکر را اهل بیت می‌دانند. (ر.ک.البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۴۲۴ تفسیر الصافی ج ۳، ص: ۱۳۶؛ تأویل الآیات الظاهره، ص: ۲۵۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص: ۵۷) تعداد روایاتی که در هر یک از کتب روایی شیعه و سنی در این باره آمده است چنین است: بصائر الدجات ۲۸ روایت (ص ۵۷) اصول کافی ۹ روایت (الكافیج : ۱ ص : ۲۱۰-۲۱۱) البرهان فی تفسیر القرآن ۲۲ روایت. تفسیر نور الثقلین ۱۷ روایت (ج ۴ ص ۴۳۲). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ۱۴ روایت. بحار الانوار ۶۴ روایت در مجلدات مختلف، و شواهد التنزيل ۸ روایت (ج ۱؛ ص ۴۳۲) وسائل الشیعه ۴۳ نقل کردند. و مناقب الإمام أميرالمؤمنین (ع) سه روایت؛ تفسیر الشعلبی یک روایت (ج ۶، ص ۳۷)؛

مجموع این روایات که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین رسیده، اگر به حد تواتر نرسند، در حد استفاده هستند و می‌توان به آنها اعتماد کرد.

طبقه بندی روایات

این نوع روایات که در کتب متعدد حدیثی به دهها عدد می‌رسند، حول چهار محور قابل دسته بندی هستند:

۱. روایاتی که پیامبر را ذکر و اهل بیت (ع) را اهل ذکر معرفی می‌کند.
۲. روایاتی که قرآن را ذکر و اهل بیت (ع) را اهل ذکر معرفی می‌نماید.

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقیین

۳. روایاتی که می‌گوید یهود و نصاری اهل ذکر نیستند.

۴. طایفه‌ای که شأن نزول آیه را بیان می‌کنند.

در اینجا نمونه‌هایی از روایات را از منابع حدیثی شیعه و سنی نقل می‌کنیم:

الف: روایاتی که رسول گرامی اسلام را ذکر و ائمه را اهل ذکر معرفی می‌نماید:

امام باقر (ع) درباره آیه (فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) فرمودند: قال رسول الله (ص) ۶ الذکر أنا و الائمه اهل الذکر. (أصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۳)

ابن کثیر می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره (فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) پرسیدم قال الذکر محمد (ص) و نحن أهله المسئولون قال قلت قوله «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكُ وَلِقَوْمِكَ وَصَوْفَ تُسَأَلُونَ قَالَ أَيَّا نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ أَهْلُ الْمَسْؤُلَةِ». (أصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۴)

از امام باقر (ع) در باره آیه شریفه (فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) سوال شد فرمود هم الائمه من عترة رسول الله⁶ و تلا انزلنا عليکم ذکرًا رسولًا... (حاکم حسکانی، شواهد التنزيل لقواعد التفصیل، ج ۱، ص ۴۳۷).

روایات فراوانی با این مضمون، در منابع شیعه و سنی وارد شده است و ما به همین سه روایت اکتفا کردیم.

در باره این نوع روایات، این نکته ادبی مهم است که، معرفه بودن خبر، دلیل بر منحصر بودن مبتدا در خبر است. در روایات مذکور جملات این چنین هستند. وقتی رسول خدا (ص) می‌فرماید: الذکر أنا؛ معنایش این است که من تنها مصادق ذکر هستم.

«وَالائِمَّةُ أهْلُ الذِّكْرِ» باز سخن از حصر و انحصار است، چون اگر پیامبر (ص) می‌خواست فقط بفرماید، ائمه هم مانند دیگران اهل ذکر هستند، می‌فرمود: «وَالائِمَّةُ مِنْ أهْلِ الذِّكْرِ»، یعنی اهل ذکر مصادیق فراوانی دارند و یک گروه آن ائمه اطهار می‌باشند و حال آنکه پیامبر فرمود «وَالائِمَّةُ أهْلُ الذِّكْرِ». وقتی که امام جعفر صاد (ع)^۷ می‌فرماید: «أَيَّا نَحْنُ وَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ أَهْلُ الْمَسْؤُلَةِ» از صدر و ساقه این سخنان گهربار حصر استفاده می‌شود، چون هم سیاق این‌گونه روایات انحصار را بیان می‌کند و هم سیاق کلمات و جملات این‌گونه است.

این تفسیر برای اهل ذکر، با الهام از قرآن کریم است که، رسول خدا را ذکر و اهل بیت را اهل ذکر معرفی نموده‌اند.

در سوره طلاق ۱۱ - ۱۰ از رسول گرامی اسلام به ذکر تعبیر شده است.

ب: روایاتی که قرآن را ذکر و آئمه را اهل ذکر معرفی می‌نمایند.

از امام صادق (ع) درباره آیه فسالوا اهل الذکر إن كنتم لاتعلمون سوال شد، فرمود: الذکر قرآن و آل الرسول اهل الذکر و هم المسئولون.

همچنین امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: الكتاب الذکر و اهله آل محمد (ص) أَمْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ بِسُؤالِهِمْ وَلَمْ يَؤْمِرُ بِسُؤالِ الْجُهَالِ وَسَمَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ الْقُرْآنَ ذَكْرًا، فقالَ تبارک وَتَعَالَى إِنَّا لِيَكُمْ ذِكْرًا لِتَبَيَّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ عَلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (بصائرالدرجات، ص ۶۲)

أَحَمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ رَبِيعِي عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَفِيقِ الْمَسْئُولِينَ (الكافی ج : ۱ ص : ۲۱۰-۲۱۱)

در این روایات از کتاب الله، به عنوان ذکر یاد شده و فرزندان معصوم حضرت رسول اکرم (ص)، به عنوان کسانی که مردم باید به پیشگاه آنها بروند و معارف دینی را از آنها اخذ کنند، به اهل ذکر یاد شده است.

اینکه در بعضی روایات پیامبر اکرم (ص) را ذکر دانسته است و در بعضی از روایات، قرآن را ذکر دانسته است با هم منافات ندارند؛ چون رسول اعظم و قرآن کریم، بادآور خدای متعال هستند و اهل بیت هم اهل رسول اکرم هستند و هم اهل قرآن هستند.

ج: روایاتی که می‌گوید اهل کتاب اهل ذکر نیستند.

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند که از امام باقر (ع) پرسیدم لَمَنْ عَنَّدَنَا يَزْعُمُونَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» إِنَّهُمْ الْيَهُودُ وَالْإِنْصَارِيُّونَ. فقالَ أَذًى يَدِعُونَكُمُ الْى دِينِهِمْ ثُمَّ قَالَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ، نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ قالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الذِّكْرُ الْقُرْآنُ. (كتاب التفسير، عیاشی محمد بن مسعود، ج ۲، ص ۲۶۰، حدیث ۳۲. چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ قمری؛ بصائرالدرجات، ص ۶۲، ناشر: طلیعه نور ۱۴۲۹ قم. عیون اخبار الرضا ع شیخ صدوق؛ ج ۲؛ ص ۲۱۶)

در مجلسی که عده‌ای از علماء در حضور مأمون عباسی بودند امام رضا (ع) فرمود:

فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ فَسَأَلُونَا إِنْ كنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ: إِنَّمَا عَنِّي بِذَلِكِ الْيَهُودُ وَ

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقیین

النصاری فقال ابوالحسن سبحان الله و هل يجوز ذلك اذاً يدعونا إلى دينهم و يقولون إنّه افضل من دين الاسلام؟

فقال مأمون: فهل عندك شرخ بخلاف ما قالوا يا ابوالحسن؟ فقال نعم الذکر رسول الل (ص) و نحن اهله، و ذلك بين في كتاب الله عزوجل حيث يقول في سورة الطلاق (فَإِنَّمَا الْأَبْيَابُ لِأَهْلِنَّهِ إِنَّمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَّسُولًا يَتَّلَقُوا عَلَيْكُمْ إِعْلَانِ اللَّهِ مُبَيِّناتٍ) فالذکر رسول الله (ص) و نحن اهله (عيون الاخبار الرضا (ع)، ج ۱، باب ۲۳، ص ۲۳۹. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۸)

این طایفه از روایات بیانگر این است که، ائمه اطهار (ع) با طرز تفکری که اهل ذکر را اهل کتاب می داند، شدیداً مبارزه می کردند و در فرصت های مناسب، به عبارات مختلف بیان می کردند که، منظور از اهل الذکر در قرآن کریم ما هستیم و تنها مرکزی که خداوند دستور داده به آنجا مراجعه شود، اهل بیت عصمت و طهارت می باشند.

د: روایت شأن نزول:

دسته آخر روایتی است که شأن نزول آیه را بیان می کند.

البرهان في تفسير القرآن (البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۴۲۸). چنین نقل می کند:

قال ابن شهر آشوب نقل في تفسير يوسف القطاں عن وکیع، عن الشوری، عن السدی قال: كنْتُ عند عمر بن الخطاب اذاً أَفْتَلَ عليه كعب الأشرف و مالک بن الصيف و حی بن أخطب، فقالوا: إِنَّ فِي كِتَابِكُمْ وَ جَنَّةً عَرَضَهَا السَّمَاوَاتُ وَ الارض. (آل عمران ۱۳۳).

اذا كان سقہ جنة واحدة كسبع سماوات و سبع ارضين فالجنان كلها يوم القيمة ابن تكون؟

فقال عمر: لا أعلم، فبيناهم في ذلك اذا دخل على (ع)

فقال في اى شيء آتتم؟

فألقى اليهود المسألة عليه، فقال لهم «خَبَرُونِي أَنَّ النَّهَارَ إِذَا أَقْبَلَ اللَّيلَ أَيْنَ يَكُونُ [والليل اذا اقبل النهار اين يكون]» قالوا له: فِي عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى يَكُونُ فَقَالَ عَلَى (ع) «كَذَلِكَ الْجَنَانُ تَكُونُ فِي عِلْمِ اللَّهِ»

فجاء على (ع) إلى النبي (ص) و أخبره بذلك فَنَزَّلَ فَسَأَلُوا عَلَى إِنْ كَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.^۱ (المناقب ۲: ۳۵۲. البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۴۲۸)

از این روایت چند نکته استفاده می‌شود:

اولاً: این روایت دلالت می‌کند که آیه در شأن امیرالمؤمنین (ع) نازل شده است.

ثانیاً: حضرت علی (ع) را اهل ذکر می‌داند.

ثالثاً: خطاب در فَسَأَلُوا را، مخصوص گروه خاصی مانند مشرکین نکرده است و همه باید از اهل ذکر معارف خود را بگیرند.

مقدار دلالت حدیث، اثبات اهل ذکر برای امیرالمؤمنین (ع) است و نفی اهل ذکر بودن دیگران نمی‌کند، اما با اضافه کردن این نوع روایات به بقیه روایات، خدشهای به دلالت – این روایت وارد نمی‌شود. (شرح احقاق الحق، تستری، السیدالمرعشی، تحقیق : تعلیق : السیدشہاب الدین المرعشی النجفی منشورات مکتبة آیة اللہ العظمی المرعشی النجفی - قم - ایران
عدد ای از علمای شیعه، این روایات را حداقل در حد مستغایض می‌دانند. (ر.ک. احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۳ مرتضی، انصاری، فرائدالاصول، ج ۱، ص ۲۹۱. عبدالحسینی، شرفالدین موسوی، المراجعات، ص ۶۹).

برخی از علمای اهل سنت، با نقل این روایات بر اهمیت آنها صحه گذاشتند.

حافظ محمد بن موسی شیرازی از ابن عباس نقل کرده است، مقصود از اهل ذکر در آیه فَسَأَلُوا اهل الذکر هو محمد و على و فاطمة و الحسن و الحسين هم اهل الذکر و العلم و العقل و البيان و هم اهل بيت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة، والله ما سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا كِرَاماً لِامِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. (وی این روایت را از تفاسیر دوازدهگانه ای نقل کرده است. س.ک. احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۳)

علامه طبری می‌گوید حدثنا ابن وكيع قال: ثنا ابن يمان عن اسرائل عن جابر عن ابی جعفر:

فَسَأَلُوا اهل الذکر إنْ كَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ قال: نَحْنُ اهْلُ الذِّكْرِ (تفسير طبری ج ۱۴، ص ۷۵)
علامه ثعلبی کما فی العمدة للعلامة ابن بطريق نقل می‌کند جابر جعفری گفت: هنگامی که آیه فَسَأَلُوا اهل الذکر نازل شد علی (ع) فرمود: نَحْنُ اهْلُ الذِّكْرِ.

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسئلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فریقین

علامه ابن کثیر در تفسیرش ج ۲، ص ۵۷۰ از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: اهل الذکر.

عالمه قطان در تفسیرش کما فی کفاية الخصام ص ۳۳۸ چاپ تهران روایت کرد از وکیع عن شوری از سدی که آیه در مورد علی (ع) نازل شده است.

علامه الّوسی در روح المعانی، ج ۷، ص ۳۷۶ از جابر و محمد بن مسلم از امام محمدباقر (ع) کرده است که: اختصاصی اهل الذکر بائمه اهل البیت

روى ابن مardonid عن انس قال سمعت رسول الله (ص) : يقول إنَّ الرجل ليصلى و يصومُ و يحجُ و يستمر و انه لمنافق. قالوا يا رسول الله بماذا دَخَلَ عليه النفاق؟ قال: يطْعَنُ على امامه و امامه من قال الله تعالى في كتابه فأسألاه اهل الذكر إن كنتم لا تعلمون (احقائق الحق، ج ٣، ص ٤٨٣).
 ٦- حاكم حسكنی در شواهد التنزيل، هشت روایت نقل کرده است که، منظور از اهل الذکر، اهل بیت عصمت و طهارت می باشند. (شواهد التنزيل لقواعد لتفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت صلوات الله و سلامه عليهم ج ١؛ ص ٤٣٢)

نتیجہ

از آنچه گذشت، روشن شد تفسیر اهل ذکر به اهل کتاب، گرچه با سیاق آیه سازگار است، اما دارای اشکالاتی است. اولاً در هیچ آیه ای خداوند متعال، اهل کتاب را اهل ذکر نخواند است؛ ثانیاً خداوند متعال اهل ذکر را، در آیات مذکور به طور مطلق [بدون هیچ قید و شرطی]، مرجع علمی قرار داده است، یعنی هرچه اهل ذکر بیان کردن شما آن را بپذیرد و این پذیرش، نسبت به اهل کتاب صحیح نیست، زیرا مرجع علمی باید دارای دو شاخصه‌ی صدق خبری و صدق مخبری باشد. و به شهادت آیات متعدد در قرآن، اهل کتاب فاقد هر دو ویژگی بودند. همچنین، روشن شد آیه فاسئلوا اهل الذکر از سه حیث سائل و مسئول و مسئول عنہ نمی‌تواند عام باشد، زیرا محدودش این است که اعتماد و عمل به پاسخ هر کسی لازم باشد، و این حکیمانه نیست. بنابراین، بهترین تفسیر همان است که روایات بیان کردند و آن رجوع به اهل بیت (ع) است.

بنابر این با دقت در آیه ۴۳ سوره نحل مشخص می‌شود که، آیه در صدد ارجاع مردم به پیامبر و جانشیان معصوم اöst؛ و به نحوی مرجعیت علمی اهل بیت را تایید می‌کند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بیضاوی، عبدالله بن عمر: انوار التنزيل و اسرار التأویل، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۱۸ق.
- سمرقندی، نصرین محمد بن احمد: بحرالعلوم، بی جا، بی تا.
- محلی جلال الدین، جلال الدین سیوطی : تفسیر جلالین، مؤسسه النور للمطبوعات، بيروت.
- ابن کثیر دمشقی: تفسیر القرآن العظیم [ابن کثیر]، دارالكتب العلمیه، منشورات، بيروت، ۱۴۱۹قمری.
- طنطاوی، سید محمد: التفسیر الوسيط لِلقرآن الکریم، بی جا، بی تا.
- حقی بروسوی، اسماعیل: تفسیر روح البیان، دارالفکر، بيروت، بی تا.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد: تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج دارالحكمة العلمیه، بيروت، ۱۴۱۶ق، [ادبی – عرفانی – قرن هشتم – عربی – سنی].
- سیوطی، جلال الدین: الدر المنشور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۴ق.
- ابن خبری غناظی، محمد بن احمد: کتاب التسهیل لعلوم التنزیل؛ دار الارقم، بيروت ۱۴۱۶ق.
- زمخشیری، محمود : الكشاف عن حقائق عوامض التنزيل، دار الكتاب العربي، بيروت ۱۴۰۷ق.
- طباطبایی، محمد حسین: تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ گلشن، بهار ۱۳۶۳.
- مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، دارالكتب الاسلامیه، مکان چاپ تهران، سال چاپ ۱۳۷۴.
- کاشانی، ملافتح الله: زیدۃ التفاسیر، بنیاد معارف اسلامی، قم، ۱۴۲۳ قمری.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۹.
- عیاشی، محمد بن مسعود: کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ قمری، بصائرالدرجات، طلیعه نور ۱۴۲۹ق.
- شیخ صدوق: عیون الاخبارالرض^۵، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲.
- مرتضی، انصاری: رسائل [فرائدالاصول] ص ۸۲، انتشارات مصطفوی، سال ۶۷
- جوادی آملی، عبدالله: تفسیر تسنیم، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.

بررسی تطبیقی دلالت آیه فاسلوا اهل الذکر بر مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام از منظر مفسران فرقین

▪ الکلینی، الکافی، تحقیق: تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری ۱۳۶۳ ش.
دارالکتبالإسلامية - طهران

▪ شواهد التنزیل لقواعد لتفضیل فی الأیات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم،
بیروت - لبنان - دارإحياءالتراثالعربي

▪ مفردات الفاظ القرآن لکریم، راغب اصفهانی ص ۳۲۸؛ ناشر: طلیعه نور - نوبت چاپ -
چهارم، ۱۴۲۹

▪ بحار الأنوار، مجلسی، قرن یازدهم، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان سال انتشار: ۱۴۰۴ قمری.
تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، قرن: یازدهم، ناشر: انتشارات

اسماعیلیان، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۱۵ ق، نوبت چاپ: چهارم.

▪ مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی ابوعبدالله محمد بن عمر، قرن: ششم، ناشر: دار احیاء التراث
العربی، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۲۰ ق، نوبت چاپ: سوم



